

پاسخ به شبهات اقتصاد روز

تحریم‌ها، انرژی هسته‌ای، هدفمندی یارانه‌ها،
مفاسد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و...

گردآوری و تنظیم:

کمیته داخلی واحد سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

فهرست

- ۳.....**هدفمندی یارانه‌ها**.....
در مورد هدفمندی یارانه‌ها از حیث آمار چه دستاوردهایی داشته‌ایم؟ تورم کنونی تا چه حد به سبب این موضوع است؟.....
۳.....
در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها نظر دولت ارجح است یا نظر مجلس؟.....
۶.....
۹.....**اقتصاد مقاومتی**.....
اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد کلان اقتصادی در کلام امام خامنه‌ای به چه معناست؟.....
۹.....
۱۲.....**تولید ملی**.....
الزامات تولید ملی کدامند؟.....
۱۲.....
پیامدهای تولید ملی کدامند؟.....
۱۵.....
وظایف مسئولین و ملت ایران در راستای تحقق تولید ملی و حمایت کار و سرمایه ایرانی چیست؟.....
۱۶.....
دولت چه وظیفه‌ای در این خصوص دارد؟.....
۱۷.....
تولید کننده و سرمایه گذار چه تکلیفی دارد؟.....
۱۸.....
مردم چه وظایفی دارند؟.....
۱۹.....
۲۰.....**تحریمها**.....
چرا تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود؟.....
۲۰.....
تحریم ها چقدر در گرانی و تورم فعلی اثرگذار بوده اند؟.....
۲۱.....
اگر تحریمها در گرانی و تورم بوجود آمده اثر دارد، چرا دولت برای مهار گرانی اقدام عملی نمی‌کند؟.....
۲۲.....
در خنثی کردن تحریم و فشار اقتصادی، مردم چه نقشی میتوانند ایفا کنند؟.....
۲۳.....
گرانی در ماههای اخیر بر اقشار مردم محروم فشار زیادی وارد میکند، چرا فکری برای حل آن نمی‌کنند؟.....
۲۳.....
تحریمها تا کی ادامه خواهد داشت؟ آیا زمانی برای پایان تحریمها متصور است؟.....
۲۴.....
۳۰.....**انرژی هسته‌ای**.....
کشور نفت خیز ایران چه نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟.....
۳۰.....
اصلاً چرا انرژی هسته‌ای؟.....
۳۰.....
۳۵.....**مفاسد اقتصادی**.....
چه دلیلی وجود دارد که با اشرافیگری ایجاد شده در بسیاری از مقامات کشوری، برخورد قاطع صورت نمی‌گیرد؟ چرا اصل قانون اساسی در مورد بررسی اموال اشخاص حکومتی به طور دقیق اجرا نمیشود؟.....
۳۵.....

هدفمندی یارانه‌ها

درمورد هدفمندی یارانه‌ها از حیث آمار چه دستاوردهایی داشته‌ایم؟ تورم کنونی تا چه حد به سبب این موضوع است؟

دستاوردهای هدفمندی یارانه‌ها را به اختصار در سطح کلان ذکر میکنیم:

۱. اصلاح الگوی مصرف انرژی

بدون شک اصلاح الگوی مصرف انرژی و کاهش مصرف آن یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بوده است. طی دهه هشتاد، به خصوص پس از اجرای طرح تثبیت قیمت سوخت و کالاهای عمومی در سال ۱۳۸۳، قیمت واقعی انرژی با توجه به نرخ بالای تورم در اقتصاد ایران در این دوره، به طور مداوم کاهش یافته است. برای نمونه قیمت واقعی بنزین، گاز مایع، نفت گاز و نفت کوره طی دهه هشتاد از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا آذرماه سال ۱۳۸۹ به ترتیب حدود ۳۵، ۶۱، ۶۰، ۵۷ درصد کاهش یافته است. کاهش قابل توجه قیمت واقعی انرژی در اقتصاد ایران در حالی روی داد که قیمت واقعی انرژی در بازارهای جهانی طی این دوره با وجود افت و خیزهای فراوان با افزایش قابل توجه نیز روبه رو شد.

کاهش مداوم قیمت واقعی انرژی و شکاف روزافزون میان قیمت‌های داخلی و جهانی، به طور طبیعی به الگوهای نابهینه مصرف انرژی چه در بخش خانوارها و چه در بخش تولید، افزایش بی‌رویه مصرف آن و اسراف و هدردادن منابع انرژی در اقتصاد کشور منجر شد. روشن است که ادامه چنین روندی در مصرف انرژی به تحمیل هزینه‌های روزافزون برای اقتصاد ایران منتهی میشود.

از این منظر، افزایش قیمت حامل‌های انرژی موجب اصلاح الگوی مصرف انرژی و کاهش مصرف آن خواهد شد. بر اساس گزارش دبیرستاد هدفمندی یارانه‌ها، سالانه ۶ درصد مصرف انرژی در کشور افزایش مییافت که با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، از زمستان ۸۹ تا پایان تابستان ۹۰، ۵.۴ میلیارد لیتر در انرژی‌های فسیلی صرفه جویی شده است. در عین حال کاهش مصرف برخی از حامل‌های انرژی در بخش‌های مختلف

به ویژه مصارف خانگی، در گزارش کمیسیون ویژه مجلس از نحوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها در مهرماه ۱۳۹۰ به تأیید رسیده است. بنابراین یکی از مهمترین دستاوردهای اجرای قانون یارانه‌ها، اصلاح الگوی مصرف انرژی و کاهش مصرف آن بوده است.

۲. بهبود توزیع درآمد و افزایش رفاه گروه‌های کم درآمد

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، بهبود شیوه توزیع یارانه‌ها در اقتصاد کشور و به تبع آن بهبود توزیع درآمد است. بهبود توزیع درآمد به این معناست که اجرای این قانون، رفاه نسبی اقشار کم درآمد را نسبت به اقشار پر درآمد بهبود خواهد بخشید.

اما به وضوح آنچه برای گروه‌های پایین درآمدی مهم‌تر است، وضعیت رفاهی آنان به صورت مطلق است. در واقع اینکه وضعیت آنها نسبت به گروه‌های بالای درآمدی چه تغییری کرده است، اهمیت کمتری نسبت به این موضوع دارد که وضعیت آنان نسبت به شرایط قبل از اجرای قانون چه تغییری کرده است. خانوارها باید علاوه بر اینکه بخشی از یارانه نقدی خود را صرف پرداخت هزینه آب، برق، سوخت و نان که قیمت آنها افزایش یافته است، نمایند، بخشی دیگر را نیز باید به دلیل افزایش قیمت سایر کالاها که از اجرای این طرح ناشی شده است، صرف کنند. از آنجا که مصرف انرژی گروه‌های پایین درآمدی نسبتاً پایین است، مسلماً وضعیت رفاهی آنان در کوتاه مدت در نتیجه اجرای قانون نسبت به قبل از آن بهبود یافته است و آنها قادر هستند علاوه بر پرداخت هزینه اضافی انرژی، آب و نان، کالای بیشتری نسبت به شرایط قبل خریداری و مصرف کنند. اما اینکه وضعیت رفاهی اقشار کم درآمد در میان مدت و بلندمدت چه تغییری کند، به وضوح به هزینه‌های تورمی طرح مربوط میشود. روشن است که اگر یارانه نقدی اقشار کم درآمد پس از اصلاح کامل تمامی قیمت‌ها، بیش از افزایش هزینه‌ها باشد، در نهایت نه تنها رفاه نسبی، بلکه رفاه آنان به صورت مطلق نیز بهبود خواهد یافت. در مقابل هرچه اثرات تورمی اجرای این قانون بیشتر باشد، دهک‌های درآمدی بیشتری در نهایت خود را در معرض کاهش سطح رفاهی خواهند دید. با توجه به هزینه‌های تورمی محدود اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تاکنون، به نظر می‌رسد که مجموعه‌های از اقشار پایین درآمدی در نهایت با بهبود وضعیت

رفاهی خود به صورت مطلق مواجه گردند و در مقابل وضعیت رفاهی اقشاربالای درآمدی کاهش یابد.

۳. دستاوردهای تولیدی در بلندمدت

یکی از مهمترین مزیت‌های اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، که موجب شد اقتصاددانان زیادی از این طرح حمایت کنند این بود که حذف یارانه‌های غیرمستقیم در بازار انرژی، می‌تواند موجب شفافیت بیشتر و واقعی شدن قیمت‌های نسبی در بازار و در نتیجه اصلاح علامت‌دهی قیمت‌ها در تخصیص منابع در اقتصاد کشور شود. البته انتظار می‌رود که این دستاورد به مرور و در بلندمدت ایجاد شود.

اما در سطح خرد آمارهای متعددی دال بر موفقیت این طرح دارد که برای نمونه جدول حامل‌های انرژی را می‌آوریم:

حامل انرژی	کل مصرف در سال اول هدفمندی	کل مصرف در یکسال پیش از یا اجرای هدفمندی	میزان کاهش یا افزایش مصرف	متوسط مصرف روزانه در سال اول هدفمندی
بنزین	21.5 میلیارد لیتر	22.4 میلیارد لیتر	4 درصد کاهش	59.1 میلیون لیتر
گاز طبیعی	150.6 میلیارد متر مکعب	146.8 میلیارد متر مکعب	2.6 درصد افزایش	412.7 میلیون مترمکعب
گازوئیل	33.6 میلیارد لیتر	34.3 میلیارد لیتر	2 درصد کاهش	92.2 میلیون لیتر

در اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها نظر دولت ارجح است یا نظر مجلس؟

هدفمندی یارانه‌ها در فضای عمومی، سیاسی و رسانه‌ای، بحث‌های گوناگونی را طی ماه‌های اخیر در پی داشته و نشانه‌هایی در دست است که این بحث‌ها تشدید خواهد شد. دولت مصمم به اجرای گام دوم هدفمندی است و مجلس این اقدام را در شرایط کنونی مصلحت نمی‌داند. در این قبیل موضوعات که از یک طرف با زندگی همه مردم ارتباط دارد و از طرف دیگر، دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی در انجام یا عدم انجام یک اقدام وجود دارد قطعاً همگان به دنبال پاسخ این پرسش هستند که: «کدام نظر درست تر است؟» برای نزدیک شدن به جواب این سوال، نکات زیر می‌تواند مفید و کمک کننده باشد:

۱. دولت آقای احمدی نژاد به دلیل پذیرش بار سنگین اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، کار بزرگی را انجام داد و از این جهت قابل تحسین است. بیش از هشتاد سال، بدترین شیوه پرداخت یارانه در اقتصاد ایران، منشأ بسیاری از مشکلات برای اقتصاد کشور شده بود. پس از انقلاب اسلامی و به ویژه بعد از جنگ، همه کارشناسان اقتصادی و همه دولت‌ها، به ضرورت هدفمند کردن یارانه پی برده و لکن به دلیل نگرانی‌ها از پیامدهای آن، جرئت اقدام نداشتند. به هر حال این دولت، به یک خواست نظام و مطالبه عمومی تأمین کننده منافع ملی پاسخ مثبت داد و زیر بار این مسئولیت رفت. بنابراین اصل هدفمند کردن یارانه، اراده نظام بود.

۲. براساس قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، پرداخت یارانه‌ها از حالت غیرمستقیم و غیرنقدی، به صورت مستقیم و نقدی و ماهیانه به هر فرد یا سرپرست خانواده خواهد بود. مبلغ پرداختی به مردم براساس قانون، باید از طریق آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی باشد. طبق قانون مصوب مجلس، دولت با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، باید پنجاه درصد درآمدهای حاصله را بین مردم توزیع کند. بنابراین یک رابطه مستقیم بین افزایش قیمت حامل‌های انرژی و افزایش مبلغ پرداختی به مردم وجود دارد.

۳. اختلاف بین مجلس و دولت از ابتدای اجرایی شدن طرح هدفمندی، بر سر شیب آزادسازی قیمت‌ها و مبلغ پرداختی یارانه در هر ماه به مردم بود. مجلس بر این موضوع پافشاری داشت که باید قیمت‌ها با شیب ملایم و به تدریج آزاد گردد و بر همین اساس باید مبلغ پرداختی به مردم، با توجه به میزان درآمدهای دولت از طریق

آزادسازی قیمت‌ها محاسبه شود. دولت بر این نکته پافشاری داشت که باید یکباره این اقدام انجام گرفته و ماهیانه مبلغ بیشتری به مردم پرداخت شود.

۴. پس از اجرای قانون هدفمندی، با پرداخت مبلغ ۴۴۵۰۰ تومان در ماه به هر فرد، در عمل مشخص شد، دولت نمی‌تواند پول مورد نیاز را از طریق ۵۰ درصد درآمدهای حاصل از آزادسازی قیمت‌ها تأمین کند و به ناچار باید از منابع دیگر برای پرداخت یارانه‌ها استفاده نماید. همین مسئله موجب شد، سهم تولید پرداخت نشود و تولید آسیب ببیند.

۵. طی یک سال گذشته، رئیس‌جمهور به اشکال مختلف و به ویژه در مصاحبه‌های عمومی، بر امکان افزایش مبلغ پرداختی به مردم تا دو یا سه برابر سخن گفته و در آخرین مصاحبه تلویزیونی، تصریح کردند که می‌توان این مبلغ را به پنج برابر افزایش داد. در واقع دولت معتقد است با اجرای فاز دوم، میتوان مبلغ ۴۴۵۰۰ تومان برای هر فرد را تا ۲۲۲۵۰۰ افزایش داد.

۶. بدیهی است که شنیدن اولیه این خبر برای هر فرد ایرانی، خوشحال کننده باشد که دولت با گام دوم هدفمندی، می‌خواهد به عنوان مثال در هر ماه به یک خانواده مثلاً پنج نفره، بیش از یک میلیون تومان بپردازد. این پرداخت در حالی است که اینک بیشتر خانواده‌های ایرانی، درآمد حاصل از کسب و کار آنها در ماه، کمتر از یک میلیون تومان است. بدیهی است که در نگاه اول، این اقدام به نفع مردم ارزیابی شود.

۷. اما نکته مهمی در این موضوع نهفته که پرداخت یارانه نقدی و طرح هدفمندی، یک سکه دو رو است. یک طرف سکه افزایش مبلغ یارانه‌ها برای مردم و طرف دیگر آن، افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. حال در صورتی که با وضعیت فعلی، دولت در پرداخت همین مبلغ با کمبود منابع مواجه است، بدیهی است که برای پنج برابر کردن مبلغ پرداختی، قانونا باید درآمدهای آزادسازی قیمت‌ها نسبت به وضعیت فعلی را ۱۰ برابر کند.

۸. با توجه به نکات گفته شده، باید دید ۱۰ برابر شدن قیمت حامل‌های انرژی در شرایط کنونی، چه تأثیری بر اقتصاد مملکت خواهد گذاشت. تولید در چنین شرایطی در کشور، با چه تنگنانهایی مواجه می‌شود. با مشکلات بر سر راه تولید، آن هم در شرایط تحریم و فشارهای خارجی، ارزش پول ملی تا کجا سقوط خواهد کرد و در

..... پاسخ به شبهات اقتصادی روز

نهایت، قیمت‌ها در بازار نسبت به وضعیت فعلی، چه افزایشی پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، با چند برابر کردن قیمت حامل‌های انرژی از قبیل بنزین، گازوئیل، نفت کوره، گاز، برق و... نمی‌توان آثار تورمی بالای آن را که خنثی کننده مبلغ پرداختی به مردم از یک طرف و آسیب رساندن به اقتصاد و تولید کشور از طرف دیگر می‌باشد، نادیده گرفت.

اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبرد کلان اقتصادی در کلام امام خامنه‌ای به چه معناست؟

در سالهای اخیر رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و آنرا به عنوان یک روش مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور عنوان کردند، روشی که سدی مقاوم در برابر حمله‌های غرب به شمار می‌رود.

اعمال تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، کما اینکه اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول سی سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزوده شد.

در طول چند سال اخیر با تلاش غرب برای بحران‌سازی در بحث برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، غرب تلاش بی‌وقفه‌ای برای استفاده از این ابزار غیرقانونی آغاز کرده و در طول یک ماه گذشته با اجرای تحریم خرید نفت ایران از سوی کشورهای اروپایی و هم‌چنین تحریم بانک مرکزی از سوی آمریکا تلاش خود را به اوج رسانده است. در مقابل اتخاذ چنین رویکردی از سوی غرب، مقام معظم رهبری بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و آن را به عنوان یک روش مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی کشور عنوان کردند. نکته جالب توجه در این میان این است که با اتخاذ چنین رویکردی، عملاً گلوله‌های طلایی غرب در برخورد با نظام جمهوری اسلامی بی‌اثر می‌شود. ایشان در سخنرانی خود در جمع زائران حرم رضوی در نوروز سال ۸۷ با اشاره به این مسئله تصریح کردند: در این سالها، برای جلوگیری از رشد و قدرت یافتن نظام اسلامی، هر کاری که توانستند کردند. اگر شما تصور کنید ضربه‌ای می‌توانستند بزنند و نزدند، خطاست؛ هر کار می‌توانستند کردند؛ هر کار نکردند، چون نمی‌توانستند. در مقابل جنگ تحمیلی‌شان، تهاجم دزدانه‌شان، تحریم اقتصادیشان، جنگ روانیشان، تبلیغاتشان، هیاهو و جنجال و قرشمال‌بازیهایی که علیه جمهوری اسلامی در دنیا به راه انداختند، در مقابل همه، جمهوری اسلامی به پشتیبانی این

ملت بزرگ و رشید، محکم ایستاد. ایستاد، نه فقط به معنای این که توانست خود را نگه دارد و نابود نشود، بلکه به معنای این که روز به روز بر قدرت خود افزود. معظم له در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ضرورت تدوین یک مدل اقتصادی مستقل برای توسعه کشور ادامه دادند: «ممکن است بعضی از صاحبانظران و به اصطلاح تئوریسین‌های اقتصادی بگویند؛ آقا نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله‌ی طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجاست که ما عرض نباید میکنیم «نوآوری» نباید خیال کنیم که نسخه‌های اقتصادی غرب، آخرین دستاورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه‌ای است، دوره‌ای دارد؛ آن دوره طی می‌شود و فکر تازه و فکر نویی به میدان وارد می‌شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛ شاخص باید این باشد. ما می‌خواهیم کشور ثروتمند بشود؛ ما می‌خواهیم سرمایه‌گذاری در بخشهای تولیدی در کشور عمومیت پیدا کند. امروز ثروتمندان زیادی در کشور ما هستند که برخوردار از ثروتند؛ این ثروت را می‌توانند در سرمایه‌گذاریهای سودمند و افتخارآفرین به کار بزنند؛ هم برای خودشان سود دارد، هم برای مردم سود دارد و هم مایه‌ی رضای خدا می‌شود؛ سرمایه‌گذاری ثروتمندان در کارهایی که به تولید کشور و به افزایش محصول در درون کشور با بهره‌دهی بالا منتهی می‌شود، یک عبادت و یک ثواب است. این راه باز است؛ می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، تولید ثروت کنند؛ مدیریت کشور هم مراقبت کند که همه‌ی طبقات برخوردار بشوند و طبقات ضعیف هم بتوانند از فرصتها استفاده کنند تا از ضعف خارج بشوند؛ همه توانایی پیدا نکنند. ما در این سی سال خیلی جلو رفتیم. تا اینجا دشمن ما مغلوب شده است؛ تا این ساعت و این روز دشمنان ملت ایران یعنی شبکه‌ی شیطانی صهیونیسم و رژیم مستکبر امریکا از ملت ایران شکست خورده اند.".

رهبر معظم انقلاب بعدها مدل اصلی برای اقتصاد کشور را مدل اقتصاد مقاومتی عنوان کردند و در جمع کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۸۹ به تشریح این مساله پرداختند. ایشان در این دیدار با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: "ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که

ما تحریمها را دور میزنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریمها را دور میزنند، تحریم کنندگان را ناکام میکنند؛ مثل موارد دیگری که در سالهای گذشته در زمینه های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوانها نمیدانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما سی سال است تو تحریمیم. همه ی این کارهایی که شده است، همه ی این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمیتواند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه ی مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند!"

از آن هنگام تاکنون ایشان در دیدارهای مختلف بارها بر ضرورت پیگیری این مساله و طراحی مدلی بر اساس ایده اقتصاد مقاومتی تاکید کرده اند. از جمله ایشان در دیدارسالانه خود با دانشجویان در ماه مبارک رمضان سال ۹۰ با اشاره به سخنان دانشجویان در خصوص مبحث تشکیل گروه های مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه های مختلف از جمله اقتصاد مقاومتی، این طرح را بسیار جالب برشمردند.

حضرت آیت الله خامنه ای در همان دیدار بر ضرورت توجه بیشتر همراه با برنامه ریزی سه قوه برای تحرک بیشتر و تحقق اهداف سال جهاد اقتصادی به ویژه طراحی اقتصاد مقاومتی تاکید کردند. این سخنان مقام معظم رهبری بر ضرورت طراحی مدل اقتصاد مقاومتی عملاً تأکیدی براین نکته است که مسیر عبور تحریمها از اقتصاد مقاومتی می گذرد، نکته ای که باید از سوی مسوولان و طرح ریزان اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد تا بتواند آخرین حربه های غرب برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبه رو کند.

تولید ملی

الزامات تولید ملی کدامند؟

تحقق آرمان بزرگ تولید ملی نیازمند الزامات، قواعد و مقدمات فراوانی است، در این نوشتار اگرچه نمی‌توان به همه ابعاد آن پرداخت لکن تلاش می‌کنیم مهمترین الزامات را مورد اشاره قرار دهیم.

۱- احساس مسئولیت عمومی و عزم ملی:

همه در این جهاد بزرگ وظیفه دارند، هرکس در هر موقعیت کاری و شغلی باید کیفیت کارش را بالا ببرد، بیشتر کار بکند، بهتر کار بکند و به عنوان یک جهاد مقدس به این مقوله نگاه کند. بنابراین افراد نباید همواره دیگران را مخاطب این شعار بدانند بلکه خود را در حیطه کاری‌اش توانمندتر و کارآمدتر سازد و با دغدغه بیشتری تلاش نماید.

۲- فرهنگ سازی:

فرهنگ کار و تولید و کیفیت باید به فرهنگ عمومی کشور و حتی به مطالبه ملی تبدیل گردد. ادارات، نهادها، مسئولان، اهل قلم، اهل بیان، اهالی رسانه و آحاد مردم همه تلاش نمایند تا تولید ملی و افزایش کار و تلاش و استفاده بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی جوانان ایرانی تحقق یابد.

۳- هم افزایی ظرفیت‌ها، بسیج استعدادها و سرمایه‌های انسانی و مادی:

تولیدمحوری تنها از یک نهاد مشخص ساخته نیست بلکه همه ظرفیت‌های کشور باید بسیج شوند، فکرها و عقل‌ها روی هم ریخته شود، امکانات کشور در این زمینه تمرکز پیدا کنند و با نظم و انسجام و وحدت رویه توأم با شور و شعور به فرمان ولی امر مسلمین لبیک بگوییم.

۴- ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها:

یکسری زیرساخت‌های ضروری و الزامی جدید باید ایجاد گردد و زیرساخت‌های موجود نیز تقویت و بازسازی شوند، تولید کیفی باید نهادینه شود و بسترهای ماندگاری و دوام و قوام آن فراهم گردد و در این زمینه بخش‌های دولتی و خصوصی و آحاد مردم مسئولیت پیدا می‌کنند.

۵- انگیزه دینی و تکلیف شرعی:

بر اساس آموزه های دینی عمل کردن به فرمان امام و رهبری امت اسلامی تکلیف شرعی همگان است، اگر تمامی عناصر و دستگاه های ذیربط و صاحبان سرمایه و دارندگان نفوذ کلام به عنوان یک وظیفه شرعی بدان اهتمام بورزند شتاب تولید چند برابر خواهد شد.

۶- رقابت پذیری:

بازار جهانی با یک رقابت نفس گیر و تنگاتنگ مواجه است و قدرت های مطرح و یا مدعی باید توانمندی ها و ظرفیت های خود را برای رقابت در چنین عرصه ای مضاعف سازند و پا به پای استانداردهای جهانی حرکت کنند، بنابراین کیفیت کالاها و خدمات تولیدی و کار و سرمایه باید بتواند از رقبای جهانی و منطقه ای خود پیشی بگیرد. در سند چشم انداز بیست ساله نیز گفته شده جمهوری اسلامی در صحنه های مختلف به قدرت اول در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل می گردد، طبیعی است تولید و اقتصاد و تجارتي که در آن رقابتي نباشد از میدان مسابقه حذف خواهد شد.

۷- دانایی محوری و تولید دانش:

در سال جاری تکلیف بسیار سنگینی بر دوش دانشگاه ها، نخبگان، مراکز تحقیقاتی و دستگاه های ذیربط قرار گرفته است، افزایش تولید نیازمند ارائه الگوها و نظریه ها و تئوری های کارآمد و علمی خواهد بود. افزایش آگاهی و دانش و مهارت تخصصی به جهش در تولید منجر می شود، بنابراین تولیدگران و کارگران و صاحبان سرمایه باید پشتوانه علمی و توجیه علمی لازم را برای افزایش و کیفی سازی تولید پیدا کنند. این مهم حلقه مفقوده دانشگاه و صنعت را مرتفع می سازد. دانشگاه ها می بایست بر اساس نیاز جدید به جذب دانشجو و ایجاد یا گسترش رشته های دانشگاهی بپردازند، رسانه ها و نخبگان نیز در این زمینه آگاهی های لازم را در اختیار افکار عمومی قرار دهند.

۸- عملیات روانی:

تحریک و تشجیع نیروی کار و صاحبان سرمایه و ترغیب آحاد مردم، نیازمند عملیات روانی و رسانه ای گسترده ای می باشد که می تواند بهار رسانه ها و نخبگان قلمداد شود. باید بار دیگر شعار و آرمان بزرگ "ما می توانیم" نقل مجالس و محافل گردد و تولید ملی به باور عمومی تبدیل شود.

۹- تلقی جهاد در برابر تهاجم اقتصادی دشمن:

نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در سه دهه اخیر همواره مشغول جهاد بوده است، در یک برهه به جهاد سیاسی، در برهه‌ای دیگر به جهاد دفاعی، زمانی به جهاد فرهنگی پرداخته و امروز در یک جهاد اقتصادی و نبرد فشرده در رویارویی با استکبار جهانی قرار گرفته است. دشمن تنها امید خود را در تحریم‌ها و فشاری فلج کننده می‌بیند و ملت ایران با جهاد خود امید دشمن را ناامید خواهد ساخت.

۱۰- غفلت زدایی:

در سال ۹۰ که به جهاد اقتصادی موسوم گشت، برخی اقتضائات و تحولات سیاسی از جمله انتخابات و یا اختلاف قوای سه گانه و برخی مواضع سیاسی منطقه‌ای شعار سال را تحت الشعاع خود قرار داد و علیرغم پیشرفت‌های بسیار خیره کننده دچار غفلت-هایی نیز بودیم. در سال ۹۱ باید تلاش کرد هیچ حاشیه‌ای بر متن غلبه نکند، دچار غفلت نشویم و تولیدمحوری اولویت اصلی تمامی دستگاه‌ها و مسئولان و نخبگان قرار گیرد.

۱۱- ایجاد تعادل و تناسب بین تولید و توزیع و مصرف:

باید تلاش کرد تولید در تمامی عرصه‌ها افزایش یابد، اعم از تولید صنعتی، کشاورزی، دامی، تولید علمی و تولید در عرصه‌های مختلف، اصلاح و کارآمد ساختن سیستم توزیع عادلانه و نیز کاهش مصرف به فرهنگ ملی تبدیل شود.

۱۲- عزم ملی در مصرف کالاهای داخلی:

اهتمام به مصرف کالاهای داخلی مهمترین راز و رمز تحقق تولید ملی است. بدیهی است قوای سه گانه به ویژه دستگاه‌ها و ادارات دولتی در سراسر کشور نقش بی‌بدیلی در این زمینه دارند. از یکسو حجم خرید آنها بسیار زیاد است و از سوی دیگر بر اساس قاعده «الناس علی دین ملوکهم»، الگوی عملی و عینی مردم قرار می‌گیرند. اگر در ادارات و وزارتخانه‌ها و قوای سه گانه هیچ کالای خارجی خریداری نشود، تولید ملی افزایش می‌یابد. خانواده‌ها تنها کالاهای ایرانی مصرف نمایند، افراد تنها کالای ایرانی خریداری کنند.

بیامدهای تولید ملی کدامند؟

تمرکز کشور بر تولید ملی به تقویت و تحکیم زیرساخت‌های کشور منتهی می‌شود، استقلال کشور را افزایش می‌دهد، زمین‌ها و بسترهای اشتغال را گسترش می‌دهد و بدین واسطه می‌تواند راهکارهای منطقی و عینی برای حل معضل بیکاری قلمداد گردد، از سرمایه‌های موجود که در برخی موارد در شغل‌ها و عرصه‌های کاذب هزینه می‌گردند و معیشت مردم را به درآمدهای نامشروع آلوده می‌سازد استفاده مطلوب و بهینه صورت خواهد گرفت و مشروع سازی ثروت محقق می‌شود. طبیعی است آخرین تیر در ترکش استکبار جهانی و شیطان بزرگ برای مهار انقلاب اسلامی، تحریم و فشار اقتصادی و تجاری و بانکی است. با تمرکز بر تولید ملی می‌توان کشور را از وابستگی به خارج نجات داد و در این مرحله از عمر پربرکت انقلاب اسلامی نیز استکبار جهانی را به بن بست کشانید.

نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران که کانون توجه ملت‌های مسلمان و مستضعفین جهان به شمار می‌روند با استانداردسازی و افزایش کیفیت کالاها و خدمات می‌توانند جهان سرخورده از نظام سرمایه‌داری ظالمانه را در عرصه اقتصادی نیز رهنمود گردد و طرحی نو دراندازد و راه جدیدی به روی بشریت بگشاید که عاری از سلطه و استثمار و چپاول‌گری باشد و اقتصادهای ملی را توانمند سازد. در سایه همت مضاعف و کار مضاعف و توجه مضاعف به تولید ملی همه اسناد بالادستی نظام اعم از اهداف دهه پیشرفت و عدالت، چشم انداز بیست ساله، اهداف اقتصادی در قانون اساسی، آرمان‌های امام خمینی(ره) و افکار و تدابیر امام خامنه‌ای تحقق خواهند یافت. از سوی دیگر سفره تولید علم در کشور پهن خواهد شد، تولیدمحوری به دانایی محوری و تولید دانش در زمین‌ها و عرصه‌های مختلف منتهی خواهد شد، نشاط علمی در کشور افزایش می‌یابد و بدین واسطه ارتباط دانشگاه با اقتصاد و صنعت و بازار کار و سرمایه بیش از پیش تقویت می‌شود، چنین آرزویی می‌تواند ملت ایران را به قله‌های جهانی برساند. در سایه تولیدمحوری می‌توان فقر و محرومیت را کاهش داد، آبادی و آبادانی را توسعه بخشید، شور و نشاط کار و تلاش را افزایش داد، بیکاری کاهش می‌یابد، مهارت‌های افراد افزایش می‌یابد.

یکی از آرمان‌های امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری خارج ساختن بودجه کشور از وابستگی به نفت و اقتصاد تک محصولی است، با تحقق شعار تولید ملی به این آرمان نزدیک خواهیم شد، جنب و جوش زایدالوصفی در سراسر کشور برای کار و تلاش پدید می‌آید.

وظایف مسئولین و ملت ایران در راستای تحقق تولید ملی و حمایت کار و سرمایه ایرانی چیست؟

رهبر دور اندیش انقلاب چند سالی است که شعار اصلی کشور را در شروع سال جدید در حوزه اقتصاد انتخاب می‌کنند همت و تلاش مضاعف، اصلاح الگوی مصرف و جهاد اقتصادی که به صورت کلان مطرح شد و البته مردم و مسئولین کشور آن‌طور که باید و درخور نظام مقتدر اسلامی به آن بها ندادند. نه اینکه کاری نشده است، بلکه وقتی شعاری به عنوان جهت‌گیری یک ساله‌ی کشور، آن هم از سوی رهبری جامعه انتخاب می‌شود، مسلماً بنا بر نیاز روز و جدی کشور و براساس وجود یک تهدید و یا یک فرصت بالقوه انتخاب شده است، پس باید در همان سطح هم تمامی فعالیت‌های کلان دستگاه‌های اجرایی کشور به سمت آن حرکت کنند، نه اینکه با چاپ چند کتاب و برگزاری چند همایش که بیلان کاری را پر می‌کند و بودجه کشور را تلف، به زعم خود ادای دین کرده باشند.

سال ۱۳۹۱ از جهتی متفاوت با نام گذاری سال‌های گذشته است، به این معنا که نام گذاری‌های سال‌های گذشته کلان بود و چندان قابل ارزیابی کمی در پایان سال نبود، رهبر انقلاب بعد از آنکه اهداف سال‌های گذشته را در فضای فرهنگ اقتصاد تعیین کردند، یعنی ترویج نگاه جهادگونه به فعالیت‌های اقتصادی، سال جدید را با تعیین اهداف جزئی‌تر، به شکلی وارد فاز عملیاتی کردند. سال حمایت از تولید ملی، نیروی کار و سرمایه‌گذار، با تعیین سه وظیفه برای دولت (به معنای مجموع سه قوه)، دست اندرکاران تولید و مردم، سه حلقه‌ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم تاثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی‌اش وابسته است به این تعامل. یعنی هر چقدر هم که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم، ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به کالای تولید داخل نخواهد بود. اگر تولید کننده‌ی ما

هم همت کند برای تولید کالای با کیفیت ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ندهد و یا قوانین اقتصادی فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی‌رغبت باشند باز هم نتیجه منفی خواهد بود. بر همین منوال فقط وجود یک دولت فعال نمی‌تواند نتیجه بخش باشد. باید تمامی ارتباطات این سه حلقه با هم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند. تولید حتی اگر گران هم در بیاید ولی با خود اشتغال داخلی را به همراه دارد، اشتغال در بُعد ایجابی یعنی افزایش رفاه فردی و اجتماعی و در بُعد سلبی یعنی کاهش تمام آسیب‌های اخلاقی و امنیتی که از قِبَل آن به وجود می‌آید. آنچه در ادامه می‌آوریم گوشه‌ای از وظایف این سه حلقه است که البته کامل نیست نیاز به کارهای پژوهشی و تحقیقاتی دارد ولی برای آنکه مسیر حرکتان روشن شود و درخور حوصله مخاطبان باشد، مرورش خالی از لطف نیست:

دولت چه وظیفه‌ای دارد؟

ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و قوانین یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های بهبود فضای کسب و کار است. اگر سرمایه‌گذار و تولیدکننده نتوانند نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی کند هیچ‌گاه در این مسیر قدم نمی‌گذارد. بعد از ثبات قوانین و شرایط محیطی که باعث کاهش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود، قوانین ترغیبی و کاهش بروکراسی اداری و تامین سهل سرمایه برای تولیدکننده از طریق سیستم بانکی از دیگر مولفه‌هایی است که می‌تواند تولید را ترغیب و تقویت کند. متأسفانه در شش ماه پایانی سال ۹۰ که قرار بود سال جهاد اقتصادی باشد، بیشتر از آنکه تولیدکنندگان رغبتی برای تولید داشته باشند، به حسرت به دلال‌هایی می‌نگریستند که بدون هیچ مشقتی که تولیدکننده‌ها با آن سر و کار دارند اعم از اداره مالیات و بیمه و حقوق نیروی کار و... به درآمدهای نجومی رسیدند آن هم از طریق دلالی سکه، طلا و دلار.

نکته‌ی دیگر در مورد نقش دولت آن است که بحث واردات باید به صورت جدی ساماندهی شود، این به معنای بسته شدن کامل مرزها نیست بلکه باید تعرفه‌ها و نرخ ارز به شکلی ساماندهی شود که تولیدکننده‌ی داخلی بتواند در رقابتی منطقی با کالای بیگانه، کیفیت خود را افزایش دهد و البته نباید فراموش کرد که اگر بُعد

نظارتی دولت قوی باشد می‌توان از طریق وضع قوانین کیفیتی هم به این مهم دست پیدا کرد و به شکلی سخت‌گیرانه‌تر جلوی ورود کالای خارجی را گرفت. مجموع قوانین تجاری و مالیاتی باید به شکلی باشد که مردم را به سمت کار تولیدی تشویق کند و کارهای دلالی و واردات کالاهای مصرفی سخت‌ترین و پرهزینه‌ترین فعالیت‌ها شود.

نکته‌ی دیگر در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ است، اینکه دولت به جای آنکه رقیب بخش خصوصی در تولید باشد باید یار و مددکار باشد. سود و زیان واقعی شرکت‌های تولیدی زمانی مشخص می‌شود که این عرصه کاملاً در دست بخش خصوصی باشد، آنگاه که یک شرکت خصوصی رقبای خود را در شرایط برابر ارزیابی می‌کند امید به فعالیت و رقابت دارد نه آن زمان که رقیب خود را شرکتی دولتی ببیند!

تولید کننده و سرمایه گذار چه تکلیفی دارد؟

با افزایش تحریم‌های خارجی گرچه تهدیدات افزایش پیدا کرده است ولی به نوعی بهترین فرصت برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی است که با بررسی کالاهایی که تا به امروز به سمت تولید آن در داخل نرفته بودیم، روند خودکفایی را در عرصه صنعت به صورت جدی‌تر پیگیری کنیم. گرچه تولید به شدت تحت‌تاثیر تصمیمات دولت است ولی مهمترین نکته در مورد تولید کنندگان این است که عشق به کشور و سربلندی آن می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد. چرا باید بعضی از صنعتگران و تولیدکنندگان ما با طمع در سود بیشتر خود، به جای تولید کالا تبدیل به وارد کننده شوند؟ وجود تعهد در تولید کننده و سرمایه‌گذار ایرانی باعث می‌شود که در سخت‌ترین شرایط نگاهش به عرصه اقتصاد ملی، نگاهی ارزشی و جهادگرانه باشد، نگاهی که در میان دانشمندان هسته‌ای کشور به درستی جواب داده است و از این رو شاهد پیشرفت‌های هسته‌ای در سال‌های گذشته بوده‌ایم.

مردم چه وظایفی دارند؟

آنچه بر عهده مردم است بیشتر فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن آن است. امری که هم بر دوش دولت و سازمان و نهاد مختلف فرهنگی است و مهم‌تر از آن بر عهده سازمان-های مردم نهاد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هاست.

اول آنکه باید تولید ثروت حلال به عنوان یک ارزش در جامعه نهادینه شود و درکنار آن تولید ثروت‌های کاذب از طریق دلالی به امری مذوم در میان آحاد جامعه مبدل شود. دوم آنکه باید مصرف کالای داخلی تبدیل به ارزش شود. یعنی فرزندان ما باید به پوشیدن لباسی با پارچه وطنی و دوخت ایضا وطنی افتخار کنند. این امری است که تلاش جمعی مردم را می‌طلبد. دانش آموزی که امروز به لباس وطنی خود افتخار می‌کند فردا همه‌ی تلاشش را در دانشگاه انجام می‌دهد که سوار هواپیمایی شود که وطنی باشد و بر ماشینی سوار شود که چنین باشد.

این مورد امری است که نیاز به تصمیم دولت ندارد. باید انقلابی فرهنگی در میان مردم و توسط مردم و نخبگان دینی و فرهنگی به وجود آید برای ارزش بخشیدن به کالای ایرانی. مصرف کالای وطنی امری است که مدعیان وطن پرستی و ملی گرایی اگر خالص باشند هم قبول دارند، چه رسد به ایرانیان مسلمانی که فرهنگ و دین شان نیز چنین می‌خواهد.

شکی در اینکه ما می‌توانیم نیست فقط اراده‌ای می‌خواهد آهنین که کشوری بسازیم چون سرو سربلند و چون کوه مستحکم تا دشمنان بدانند این سرو سربلند در برابر تیرها، کمر خم نخواهد کرد.

تحریم‌ها

چرا تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود؟

درباره چرایی اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران دو دسته دلایل را می‌توان ذکر نمود. دسته اول که دلایل ظاهری بوده و کشورهای تحریم‌کننده به آن استناد می‌کنند، مربوط به موضوع هسته‌ای ایران است. کشورهای تحریم‌کننده ادعا می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است و این تحریم‌ها برای جلوگیری از دستیابی ایران به این سلاح‌ها می‌باشد و از آنجا که ایران به پشتوانه اقتصادی خود در حال پیشرفت در این مسیر است، باید با تحریم‌های اقتصادی هزینه را برای دولت ایران افزایش داد، تا در نتیجه آن ایران از پیگیری مساله هسته‌ای دست بکشد.

جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام نموده است که به دنبال استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای است و هیچ‌گاه در پی ساخت سلاح هسته‌ای نیست. رهبر معظم انقلاب نیز صراحتاً اعلام نمودند که از نظر شرع مقدس اسلام، سلاح هسته‌ای حرام است. همچنین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی اتمی نیز هیچ‌گاه انحرافی در مسیر هسته‌ای ایران نشان نداده است و گزارش‌های متعدد آژانس موید آن است.

دسته دوم دلایل که نشان‌دهنده اصل مساله است به جهت‌گیری کلان جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی مربوط می‌شود. پس از انقلاب اسلامی حکومتی در ایران ایجاد شد که مستقل از ابرقدرت‌ها بود و توانسته بود بدون وابستگی به کشورهای دیگر حکومتی بر اساس آموزه‌های اسلامی برپا کند. لذا جهت‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی ایران بر خلاف سیاست‌ها و منافع آمریکا بوده و هست. یکی از مهمترین مسایل، مساله فلسطین و رژیم صهیونیستی است. به طور قطع اگر جمهوری اسلامی ایران نبود، تمامی کشورهای عربی با اسراییل سازش می‌نمودند، و اسراییل به راحتی بر تمام منطقه مسلط می‌شد.

علاوه بر این‌ها ایران منبع آگاهی بخشی و مبارزه با استکبار جهانی است. این مساله هزینه‌های آمریکا را در سراسر جهان افزایش داده و برای همین آمریکا نمی‌خواهد

ایران، تبدیل به قدرتی بزرگ شود چرا که کشورهای دیگر با الگوگیری از آن مشکلات زیادی برای سلطه‌طلبی آمریکا ایجاد خواهند نمود.

بیداری اسلامی نیز نشان می‌دهد که در رقابت راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، پیروزی با ایران بوده و همین مساله نیز سبب شده است تا آمریکا تمام تلاش خود برای ناکارآمدی نظام اسلامی ایران انجام دهد.

مجموعه این دلایل آمریکا را به این نتیجه رسانده است که هرچه سریعتر مانع رشد ایران شود و مهمترین نقطه‌ای که می‌تواند برای ایران هزینه ایجاد نماید، عرصه اقتصادی است. چرا که آمریکا بر اکثر نهادها، رژیم‌ها و بازارهای اقتصادی تسلط دارد.

تحریم‌ها چقدر در گرانی و تورم فعلی اثرگذار بوده‌اند؟

گرچه تحریم‌ها وقتی موجب اختلال در روند تجارت و یا مبادلات پولی می‌شوند و مثلاً هزینه‌ی انتقال ارز برای معاملات و واردات را افزایش می‌دهد به میزان اندکی در افزایش قیمت و گرانی کالاها موثر است اما بیش از آن جو روانی ناشی از اعمال تحریم‌ها، به ویژه گره خوردن بازار به مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ است که بر قیمت‌ها اثرگذار بوده است.

در سال گذشته پاره‌ای ناهماهنگی‌ها در تغییر افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی موجب شد تا به زعم حمایت از این بخش، به وضع تعرفه‌ی موثر برای تمامی کالاها و محصولات کشاورزی توسط دولت تاکید شود که در این میان شرایط تحریم‌های بین‌المللی و ضرورت تامین اقلام اساسی نادیده گرفته شود. از آنجا که کشور در حوزه کالاهای اساسی و راهبردی همواره به واردات وابسته بوده از نیمه‌ی دوم سال ۹۰ شاهد بروز نوساناتی در قیمت این اقلام بودیم. چراکه متأسفانه هنوز ضریب وابستگی کره ۹۵ درصد، روغن خام ۹۰ درصد، ذرت ۸۰ درصد، کنجاله سویا ۸۰ درصد، چای ۶۵ درصد، شکر ۵۰ درصد، برنج ۴۰ درصد، گندم ۲۰ درصد، گوشت قرمز ۲۰ درصد و گوشت مرغ ۱۰ درصد است. لذا اولویت دادن به تامین نیاز در داخل بدون توجه به کسری تولید داخلی، نتیجه‌ای جز افزایش قیمت ندارد.

به علاوه نوسانات ناشی از قیمت سکه، موجب هجوم بخشی از نقدینگی به این سمت و اثر منفی بر واردات کالاهای اساسی شد که عدم اجرای دقیق قانون هدفمندی و

عدم پرداخت یارانه به بخش تولید و ابهام در سرنوشت بسته های حمایتی را هم باید بر آن افزود.

بنابر این تغییرات قیمتی و گرانی، گرچه به میزان اندکی ناشی از اعمال تحریمها، غفلت از تامین به موقع اقلام اساسی و اختصاص به موقع ارز به واردات این کالاها تا زمان خودکفایی کامل و حتی تاخیر در زمان ورود و توزیع کالا به کشور و غفلت از توجه به تولیدات داخلی، به مراتب تاثیر بیشتری داشته اند.

اگر تحریمها در گرانی و تورم بوجود آمده اثر دارد، چرا دولت برای مهار گرانی اقدام عملی نمی کند؟

تحریمها تنها یکی از عوامل موثر بر گرانی و تورم است که برخی کارشناسان سهم آن را بین ۲۰ تا ۲۴ درصد میدانند و عوامل دیگری مثل غفلت از تولید، آثار ناشی از اجرای طرح هدفمندی به ویژه عدم پرداخت یارانه ای بخش تولید، نقدینگی موجود در دست مردم، روحیه سودجویی در بین بخشی از تولیدکنندگان و توزیع کنندگان، اخلاص گری روحیه ای احتکار و ذخیره سازی بی مورد در بین بخشی از خانوارها که موجب افزایش تقاضا یا به عبارتی تقاضای کاذب در بازار شده عمومیت دادن افزایش قیمت در بازار حتی برای کالاهای داخلی که تولید آن ارتباط ضعیفی با قیمت دلار دارد و ... از جمله عوامل موثر بر تورم و گرانی می دانند. طبیعی است که دولت می تواند با مداخله در بازار مثل تامین ارز اقلام ضروری، کنترل قیمت ها کمک به افزایش تولیدات داخلی به مهار گرانی کمک کند. اما غفلت از واقعیت های اقتصادی و نداشتن نگاه دقیق کارشناسانه و طرح های علمی و باثبات از یک سو و گردنکشی های سیاسی از سوی دیگر موجب تضعیف این نقش شده است. به علاوه حرکت برای مهار گرانی نیازمند همکاری و همدلی سایر قوا نیز می باشد که وجود تفاوت سلیقه و دیدگاه و شاید هم غفلت ها، این همکاری و همدلی را تحت الشعاع قرار می دهد.

در خنثی کردن تحریم و فشار اقتصادی، مردم چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

اگر بپذیریم که تحریم و فشار اقتصادی در واقع یک نوع جنگ و جهاد است، مردم در آن نقشی محوری دارند و همان گونه که در دروران دفاع مقدس و جنگ نظامی، حضور نیروهای مردمی توانست پشتوانه‌ای برای قدرت دفاعی کشور فراهم آورد، مشارکت، همکاری مردمی در این عرصه یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است که می‌تواند سکان مقاومت و پایداری در برابر تهدیدات ناشی از فشار و تحریم اقتصادی را فراهم کند.

قبل از هر چیز باید مردم، هدف دشمن از تحریم را که ایجاد بی‌ثباتی و برانگیختن نارضایتی اجتماعی است خوب درک و تحلیل نماید، سپس آمادگی مقابله با هدف دشمن، همچنین خنثی سازی آن با کمک به اقتصاد مقاومتی را پیدا کنند. اقتصادی که در آن افزایش تولید، صرفه جویی، استفاده دقیق و برنامه‌ریزی شده از منابع موجود، استفاده از کالاهای داخلی و کاهش مصرف کالاهای وارداتی، مقابله با احتکار و سودجویی، تعاون و همکاری، وحدت همدلی و ایثار، اولویت دادن به مصرف کالاهای داخلی و روحیه‌ی کار جهادی به عنوان ارکان و لوازم حفظ عزت، استقلال و اقتدار به حساب می‌آیند.

گرانی در ماههای اخیر بر اقشار مردم محروم فشار زیادی وارد می‌کند، چرا فکری برای حل آن نمی‌کنند؟

عواملی مثل تحریم‌ها، افزایش نقدینگی، تورم جهانی و تورم انتظاری ناشی از احتمال اجرای مرحله‌ی دوم هدفمندی و بالاتر از همه غفلت از مشکلات تولید موجب پدید آمدن پدیده‌ی گرانی شده است که گرچه نظارت و برخورد تعزیراتی با فرصت طلبان میتواند بخشی از آن را حل کند، اما راه حل اصلی توجه به بخش تولید و حمایت از تولید ملی به ویژه تلاش برای توسعه در بخش کشاورزی و توجه به بعد خوراک خانوارها است و از سوی دیگر خانوارها نیز باید به صرفه جویی و مصرف کمتر تشویق شوند تا در شرایطی که دشمن خط شکاف بین توده مردم و حاکمیت و همچنین

فشار بر دولت را از طریق تشدید تحریم برای واداشتن به مذاکره و سازش دنبال می‌کند، نوعی مشارکت در خنثی سازی سیاست‌های دشمنان اتفاق بیفتد. آخر اینکه کوبیدن بر طبل کمبود و گرانی از سوی برخی رسانه‌های منتقد که گاه علاوه بر بزرگ نمایی، قیمت‌ها را از آنچه هستند بسیار بالاتر ذکر می‌کنند خود به عامل روانی تبدیل می‌شود که گرانی را از فضای مجازی به فضای واقعی منتقل می‌کند. در واقع مقابله با گرانی مستلزم شکل‌گیری اراده‌ای ملی و همکاری تمامی قوا و دلسوزان کشور و مردم است که نه سکوت دولت و نه جنجال برخی رسانه‌های منتقد آن را حل کرده و تنها به ابعاد آن دامن می‌زند.

تحریم‌ها تا کی ادامه خواهد داشت؟ آیا زمانی برای پایان تحریم‌ها متصور است؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال لازم است فلسفه تحریمها و اهداف غرب کاملاً تبیین گردد و نیز فرصتهای ایران برای دور زدن این تحریمها شناخته شود، آنگاه متوجه خواهیم شد که پایان تحریم‌ها به علل متعددی مربوط است که البته بخش اعظمی از آن در دست ماست و این ما هستیم که میتوانیم اقتدار اقتصادی خود را رقم بزنیم. تحریم‌هایی که از اول جولای ۲۰۱۲ م. توسط اتحادیه‌ی اروپا اعمال شد را می‌توان به عنوان نماد تحریم‌های یک جانبه برضد ایران دانست. تحریم‌هایی که در پی آن است تا زیرساخت‌های اقتصادی و راهبردی ایران را ناکارآمد ساخته و به این ترتیب زمینه‌های کاهش قابلیت‌های راهبردی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را به وجود آورد. کشورهای غربی، اهداف خود از اعمال تهدیدهای چندجانبه برضد جمهوری اسلامی را به عنوان اقدام‌هایی در راستای کاهش توان راهبردی ایران می‌دانند. اقدام‌هایی که در چارچوب تحریم‌های فلج‌کننده نام‌گذاری شده است. در چنین شرایطی ایالات متحده‌ی آمریکا و کشورهای اتحادیه‌ی اروپا از تمامی توان خود برای محدودسازی ایران در سطح بین‌المللی بهره‌گیری می‌نمایند. کشورهای یاد شده برای اثربخشی تحریم‌های طراحی شده، مجازات‌هایی را برضد شرکت‌ها و کشورهایایی اعمال می‌کنند که همکاری اقتصادی با ایران را در دستور کار قرار می‌دهند.

براین اساس سازوکارهای مقابله با تحریم را می‌توان در قالب الگوهای زیر مورد توجه قرار داد:

۱. انجام اقدام‌های متقابل برضد شرکت‌های آمریکایی و اروپا؛

یکی از الگوهای مقابله با تهدیدهای اقتصادی فراروی جمهوری اسلامی ایران که در قالب تحریم‌های چندجانبه و یک جانبه اعمال می‌شود را می‌توان در قالب اقدام‌های متقابل برضد شرکت‌های آمریکایی و اروپایی دانست. انجام این گونه اقدام‌ها در قالب «راهبرد تهدید متقابل» مورد توجه قرار می‌گیرد. راهبرد تهدید متقابل می‌تواند ماهیت تدریجی، مرحله‌ای و گسترش‌یابنده داشته باشد. الگوهای انجام تهدید متقابل را می‌توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

۱.۱. برقراری تعرفه برضد شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

برقراری تعرفه برضد شرکت‌های آمریکایی و اروپایی به عنوان انجام اقدام‌های متقابل محسوب می‌شود. اگر چه در جهان سرمایه داری غرب، می‌توان نشانه‌هایی از همبستگی راهبردی با اهداف نظام سیاسی را مورد ملاحظه قرار داد، اما انجام اقدام‌هایی از جمله اعمال تعرفه می‌تواند، مطلوبیت‌های ایران در ارتباط با کشورهای اعمال‌کننده تحریم را افزایش دهد. چنین اقدامی در شرایطی امکان پذیر است که سازوکارهای جایگزین برای انجام مبادلات اقتصادی مورد پیگیری قرار گیرد.

۱.۲. سهمیه بندی کالا و تجارت با شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

اعمال سازوکارهای دیگری از جمله، سهمیه بندی کالا و تجارت به عنوان ابزار مؤثری برای اعمال محدودیت اقتصادی برضد کشورهای هدف محسوب می‌شود. لازم به توضیح است که هرگونه اقدام اقتصادی می‌تواند از راه سازوکارهای بین‌المللی به مرحله‌ی اجرا درآید. از همه مهم‌تر آنکه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای شرقی، زمینه‌های بهره‌گیری برای محدودسازی تحرک اقتصادی شرکت‌های چندملیتی اروپایی و آمریکایی را به وجود آورد. لازم به توضیح است که شرکت‌های چندملیتی عموماً تلاش دارند تا بازارهای اقتصادی جدیدی را به دست آورند.

۱.۳. برقراری ممنوعیت معامله با شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

برخی از شرکت‌های اقتصادی جهان غرب از راه کارگزاران منطقه‌ای خود به همکاری‌های اقتصادی با جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند. لازم به توضیح است که در برخی

مواقع شرکت‌های چندملیتی برای دستیابی به سود بیشتر ترجیح می‌دهند که از ابزارهای متنوع‌تری استفاده نمایند. به همین دلیل است که آنان مبادرت به تأسیس شرکت‌های پوششی در کشورهای آسیای شرقی نموده‌اند. شرکت‌های پوششی از آمادگی‌های لازم برای انجام همکاری‌های اقتصادی در حوزه تبادلات انرژی و کالاهای مصرفی با دولت ایران برخوردارند. تنظیم فهرست سیاه می‌تواند برای شرکت‌هایی انجام گیرد که به گروه‌های اسرائیل محور در سیاست امنیتی آمریکا وابسته هستند. اگر چنین شرکت‌هایی در وضعیت تحریم منطقه‌ای قرار گیرند، در آن شرایط امکان تجدیدنظر در سیاست اقتصادی و امنیتی آمریکا اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۱.۴. تحریم اقتصادی متقابل شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

تحریم اقتصادی متقابل می‌تواند آثار اقتصادی لازم را ایجاد نماید. به طور مثال جهان غرب و کشورهای حاشیه‌ای نظام سرمایه‌داری ممکن است در معرض تحریم‌های اقتصادی قرار گیرند. در چنین شرایطی، شرکت‌های اقتصادی ترجیح می‌دهند تا فعالیت‌های گسترده‌تری را در حوزه جغرافیایی ایران به انجام رسانند. این گونه همکاری‌ها می‌تواند، زمینه‌های لازم برای برطرف سازی مشکلات اقتصادی ایران را فراهم آورد. از همه مهم‌تر اینکه شرکت‌های چند ملیتی اگر در وضعیت تحریم اقتصادی جدی قرار گیرند، بخشی از منابع و مازاد اقتصادی خود را از دست می‌دهند.

۱.۵. تنظیم فهرست سیاه برای کارگزاران اقتصادی شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

تنظیم فهرست سیاه می‌تواند برای شرکت‌هایی انجام گیرد که به گروه‌های اسرائیل محور در سیاست امنیتی آمریکا وابسته هستند. اگر چنین شرکت‌هایی در وضعیت تحریم منطقه‌ای قرار گیرند، در آن شرایط امکان تجدیدنظر در سیاست اقتصادی و امنیتی آمریکا اجتناب ناپذیر خواهد بود. فعال کردن گروه ۷۷ می‌تواند طیف گسترده‌تری از کشورهای را ایجاد نماید که تلاش خواهند داشت تا تحریم‌های غیرقانونی برضد ایران را به حداقل ممکن کاهش دهند.

۱.۶. مسدود کردن دارایی‌های شرکت‌ها و کشورهای هدف؛

در برخی از مواقع مشاهده شده است که به دلیل محاکم قضایی و دولت آمریکا، بخشی از دارایی‌های ایران در کشورهای مختلف مسدود گردیده است. در چنین شرایطی، فعالیت‌های اقتصادی ایران با مشکل روبه رو می‌شود. انجام اقدام متقابل

برای مسدود کردن دارایی شرکت‌ها و کشورهایی که چنین اقدام‌هایی را به انجام می‌رسانند، می‌تواند آثار معکوس داشته باشد. از همه مهم‌تر اینکه چنین اقدامی بخشی از گزینه‌ی تهدید متقابل برای بازدارندگی و تهدیدزدایی محسوب می‌شود.

۱.۷. محدودسازی توان تحرک کشورهای هدف در بازار انرژی؛

یکی از سازوکارهای مؤثر در محدودسازی قابلیت کشورهای هدف را می‌توان کاهش توان تحرک آنان در بازار انرژی دانست. به طور کلی ایران به دلیل قابلیت ژئوپلیتیکی خود از توان لازم برای تأثیرگذاری در بازار انرژی برخوردار است. بنابراین اگر زمینه برای محدودسازی توان تحرک شرکت‌هایی انجام پذیرد که به گروه‌های تحریم‌کننده‌ی ایران تعلق دارند، در آن شرایط امکان تشدید تضادهای درون ساختاری شرکت‌های چند ملیتی با دولت‌های مربوط به وجود می‌آید.

۲. انجام اقدام‌های جایگزین از راه تعامل با شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی؛

هم‌اکنون شاخص‌های اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که جلوه‌هایی از بازارهای شبکه‌ای فعالیت گسترده‌ای را به انجام می‌رسانند. اقتصاد در شرایط موجود بیش از آنکه ماهیت شرکتی و یا دولتی داشته باشد، دارای ویژگی شبکه‌ای می‌باشد. شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی می‌توانند نیازهای ایران به کالاهای خدماتی، مصرفی، توسعه‌ای و بنیادین را تأمین نمایند.

هر یک از این گونه شبکه‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده و مؤثری در ساختار اقتصاد جهانی دارند. بسیاری از بازارهای منطقه‌ای در آسیای شرقی در قالب اقتصاد شبکه‌ای به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

۳. ارایه‌ی مشوق‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تغییر در اقدام‌های محدودکننده‌ی بین‌المللی؛

یکی از سازوکارهای مؤثر برای عبور از تحریم‌های اقتصادی را می‌توان بهره‌گیری از توان دیپلماتیک، نهادی و سازمانی کشورهای منطقه دانست. بهره‌گیری از سازوکارهای اقتصادی همکاری جویانه می‌تواند زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری فرآیندی را به وجود آورد که انجام اقدام‌های متقابل برخی از شرکت‌ها و کشورهای منطقه‌ای برضد جهان غرب را امکان‌پذیر سازد. اولین گام تحقق چنین اهدافی را می‌توان بهره‌گیری از سازوکارهای دیپلماتیک و امنیتی برای متقاعد سازی عربستان

دانست. اگر عربستان نیازهای جهان غرب به انرژی را تأمین نکند و صرفاً در چارچوب سهمیه‌ی خود در بازار جهانی به ایفای نقش مبادرت ورزد، در آن شرایط امکان تغییر در الگوهای راهبردی جهان غرب برای محدودسازی قدرت ایران به وجود می‌آید. متقاعدسازی کشورهای منطقه‌ای در خلیج فارس یکی از سازوکارهای محدودسازی موفقیت تحریم اقتصادی برضد ایران محسوب می‌شود.

اقتصاد در شرایط موجود بیش از آنکه ماهیت شرکتی و یا دولتی داشته باشد، دارای ویژگی شبکه‌ای می‌باشد. شبکه‌های اقتصادی بین‌المللی می‌توانند نیازهای ایران به کالاهای خدماتی، مصرفی، توسعه‌ای و بنیادین را تأمین نمایند.

۴. نمایش قدرت برای مقابله با تهدیدهای بین‌المللی؛

نمایش قدرت در زمره‌ی سازوکارهای مقابله و انجام اقدام‌های متقابل محسوب می‌شود. یکی از اقدام‌هایی که ایران می‌تواند به انجام برساند، اجرای الگوهایی مانند: مانورهای نظامی در خلیج فارس است. منطقه‌ای که بخشی از انرژی مورد نیاز اقتصاد سرمایه داری از آن عبور می‌کند.

به طور کلی، انجام چنین ذهنیتی به مفهوم آن است که جهان غرب باید بر این امر واقف باشد که اگر محدودیت‌های بین‌المللی برضد ایران را اعمال نماید، جمهوری اسلامی نیز از ابزارهای خود برای ایجاد محدودیت در تعامل اقتصادی سایر بازیگران را فراهم می‌سازد. به طور مثال، ایران می‌تواند این موضوع را گوش زد نماید که هرگونه مجازات اقتصادی جمهوری اسلامی می‌تواند با اقدام‌های متقابل غیرخصمانه موازنه گردد. لازم به توضیح است که نمایش قدرت با کاربرد قدرت متفاوت است. نمایش قدرت ماهیت غیرخصمانه داشته و به عنوان نشانه‌ای برای بازسازی الگوهای رفتاری تلقی می‌شود. کشورهایی همانند ایران که از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردارند، می‌توانند از قابلیت خود برای انجام اقدام‌های متقابل غیرخصومت آمیز، استفاده نمایند.

۵. توسل به رأی از راه دیپلماتیک؛

اعمال محدودیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک توسط آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، دارای مخالفینی در ساختار داخلی کشورهای مورد نظر می‌باشد. به طور کلی هرگونه الگوی

منازعه‌آمیز دارای پیامدهای اقتصادی و راهبردی برای کشورهایی است که ابتکار عمل را در سیاست بین‌الملل در دست گرفته‌اند.

به همین دلیل است که می‌توان جلوه‌هایی از «تعامل سازنده» را برای تغییر در تصمیم‌های قبلی مورد توجه قرار داد. تحقق این امر در شرایطی امکان‌پذیر است که بتوان با نهادهای تأثیرگذار در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا به تعامل راهبردی مبادرت نمود.

به این ترتیب، توسل به رأی را می‌توان نتیجه‌ی پیچیده‌ی سازوکارهای دیپلماتیک دانست. فرآیندی که می‌تواند زمینه‌های لازم برای چانه‌زنی از راه روش‌های غیرخصمانه را فراهم آورد. به طور کلی، چانه‌زنی می‌تواند روندهای لازم برای فعال سازی گروه‌های بی‌طرف در کشورهای اروپا و آمریکا را فراهم سازد. لابی‌های ایرانی یکی از ابزارهای مؤثر برای مقابله با روندهای تحریم برضد ایران محسوب می‌شود. لابی‌های ایرانی می‌تواند بر نخبگان سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا و اروپا تأثیر به جا گذارد. برطرف سازی اختلاف‌های ایجاد شده از راه شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی، دیوان عالی ایالات متحده و دیوان داوری اتحادیه‌ی اروپا می‌تواند زمینه‌های ایجاد تعامل قانونی ایران با بازیگرانی را فراهم آورد که محدودیت‌هایی را برضد جمهوری اسلامی ایجاد نموده‌اند.

به طور کلی، باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد که توسل به رأی از راه ۴ مکانیسم دیپلماتیک و حقوقی حاصل می‌گردد. سازوکارهایی همانند مذاکره، میانجی‌گری، قضاوت بین‌المللی و انجام توافقات رسمی را می‌توان در زمره‌ی سازوکارهای توسل به رأی برای برطرف سازی بخشی از تحریم‌ها برضد ایران دانست. هر یک از ۴ مکانیسم یاد شده می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحرک ایران در نهادهای حقوقی و دیپلماتیک بین‌المللی را به وجود آورد. مهم‌تر آن که الگوی مبتنی بر رأی از این جهت دارای اهمیت و مطلوب است که زمینه‌های لازم برای کاهش انگیزه‌ی اقدام‌های خصومت‌آمیز و فراقانونی کشورهای آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا برضد ایران را به وجود می‌آورد.

توسل به رأی در زمره‌ی یکی از مؤثرترین سازوکارهای حل اختلاف‌ها در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. فرآیندهایی که زمینه‌های لازم برای برطرف

سازی محدودیت‌های راهبردی بر ضد قدرت سازمانی و ساختاری ایران را به وجود می‌آورد.

انرژی هسته‌ای

کشور نفت خیز ایران چه نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟

با تمام تهدیدها و تحریمها، فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی متوقف نشد و امروزه از ایران در مجامع بین‌المللی به عنوان یک "کشور توسعه یافته هسته‌ای" یاد می‌شود؛ کشوری که در زمینه تولید سوخت هسته‌ای و ساخت نیروگاه‌های اتمی و ملزومات آن خودکفا شده و البته با فشارهای بسیار گسترده‌ای از سوی برخی کشورهای غربی در این زمینه روبروست و حتی ۴ تن از دانشمندان برجسته هسته‌ای خود را در این راه از دست داده است.

در این میان شبهات و سؤالاتی درباره فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و نسبت آن با تحریمها و مشکلات اقتصادی روز جامعه ایران مطرح شده است؛ سؤالات و شبهاتی از سطوح پایینی گرفته تا سطوح راهبردی؛ از اصل فعالیت‌های هسته‌ای تا آینده برنامه هسته‌ای ایران.

اصلاً چرا انرژی هسته‌ای؟

برخی از کشورهای مخالف جمهوری اسلامی، این سؤال را مطرح کرده‌اند که ایران با وجود بهره‌مندی از ذخایر غنی و پرشمار نفتی و گازی، اصلاً چه نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟ براساس آمار و گزارش‌های نهادهای مرجع اقتصادی، ایران با محدودیت منابع نفتی و گازی روبروست؛ محدودیتی که اعلام شده در صورت عدم صرفه جویی در دهه‌های آتی به اتمام این منابع فسیلی خواهد انجامید. این آمارها تصریح کرده‌اند که نیاز ایران به الکتریسیته سالانه با رشدی ۶ تا ۸ درصدی روبرو بوده و تکیه به منابع نفتی و گازی، در سال‌های آتی کشور را در تولید الکتریسیته با مشکل مواجه خواهد کرد.

همچنین کارشناسان اقتصادی بر این اعتقادند که «درآمدهای ارزی صادرات نفت خام و گاز طبیعی تحت الشعاع استفاده از منابع فسیلی برای سوخت قرار می‌گیرد و ایران با ادامه این روند، تا چند دهه آینده، به یکی از واردکنندگان اصلی فرآورده های نفتی تبدیل خواهد شد». براساس آمار اعلامی، پارانهای پنهانی که دولت برای مصرف سوخت اختصاص می‌دهد، حتی جوابگوی هزینه تولید و توزیع آن نیست. از سوی دیگر آلاینده‌های بالای سوخت‌های فسیلی، با توجه به قوانین موجود زیست محیطی در جهان، برای کشورهای مصرف کننده اینگونه سوخت‌ها مشکل ساز شده است.

اغلب کشورهای توسعه یافته جهان مانند آمریکا و روسیه از دهه‌های پیش به ذخیره‌سازی انرژی‌های فسیلی برای مواقع ضروری و تولید و استفاده از انرژی‌های هسته‌ای برای نیازهای روز خود روی آورده‌اند. در این میان کارشناسان بین‌المللی «جنگ انرژی» را برای آینده جهان متصور شده‌اند و معتقدند در آینده از لحاظ استراتژیک هیچ کشوری برای تأمین انرژی مورد نیازش، خود را به یک منبع محدود نمی‌کند.

برآوردهای صاحب‌نظران اقتصادی ایران بر این نکته صحت گذاشته که ایران با ادامه رویه فعلی مصرف انرژی در داخل کشور، در سال‌های آینده دیگر یک کشور صادرکننده نفت و گاز نخواهد بود و تمام تولیدات نفت خام صرف تأمین سوخت مورد نیاز داخلی خواهد شد.

شاید به همین جهت است که ایران در حوزه انرژی، سیاست‌های راهبردی خود را به سمت و سوی تعدد و تنوع در استفاده از انرژی‌های روز جهان سوق داده است. مسئولان جمهوری اسلامی دسترسی به انرژی هسته‌ای را «نیاز امروز و ضرورت اجتناب ناپذیر فردا» و تکیه تنها به سوخت‌های فسیلی را «غیرمنطقی» می‌دانند. متخصصان علوم هسته‌ای می‌گویند فناوری‌های هسته‌ای در حوزه‌های مختلفی از جمله صنعت، کشاورزی، پزشکی و... کاربردهای گوناگونی دارد. آنها تولید برق، بهبود شناسایی و درمان بیماری‌ها، تولید مواد باکیفیت و مقاومت خاص، تولید محصولات کشاورزی مقاوم در برابر خشکسالی و آفات را تنها بخشی از این کاربردها برشمرده‌اند.

به گفته این متخصصان، انرژی هسته‌ای علاوه بر تأمین سوخت و انرژی پاک، به توسعه منابع آبی، تأمین مواد غذایی، افزایش بهره‌وری در کشاورزی، پیشرفت علم شناخت محیط زیست، تقویت کنترل کیفیت محصولات صنعتی، مراقبت از سلامت حیوانات اهلی و نابودی حیوانات خطرناک و... «کمک قابل توجهی» می‌کند.

سوخت هسته‌ای تا قرن‌ها در، «ایران و فناوری هسته‌ای» به نوشته سایت دسترس خواهد بود، سابقه بی‌خطر بودن آن برتر از سایر منابع عمده انرژی است، مصرف آن هیچ آلودگی واقعی ایجاد نمی‌کند، منابع با ارزش سوخت‌های فسیلی را برای نسل‌های دیگر حفظ می‌کند، هزینه‌های آن قابل رقابت و هم‌چنان در حال کاهش است و پسماندهای آن را می‌توان برای مدت زیادی بدون خطر کنترل کرد و از تکنیک‌های هسته‌ای هم می‌شود در ساخت داروهای هسته‌ای استفاده کرد. تهیه و تولید رادیو داروی ید ۱۳۱، تشخیص بیماری‌های تروئید و درمان آن‌ها، تهیه و تولید کیت‌های رادیودارویی جهت مراکز پزشکی هسته‌ای، کنترل کیفی رادیوداروهای خوراکی و تزریقی برای تشخیص و درمان بیماری‌ها، تهیه و تولید کیت‌های هورمونی، تشخیص و پیگیری درمان سرطان پروستات، بررسی مراکز عفونی در بدن، تشخیص سرطان‌های کولون، پانکراس، روده کوچک و برخی سرطان‌های سینه، شناخت محل تومورهای سرطانی و بررسی تومورهای مغزی، سینه و ناراحتی‌های ریوی، تصویرگیری بیماری‌های قلبی، تشخیص عفونت‌ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته‌های وریدی، تشخیص کم‌خونی‌ها یا سندرم اختلال در جذب ویتامین ب ۱۲، تولید دزیمترهای جیبی و محیطی و استریلیزاسیون لوازم پزشکی یک بار مصرف از مصادیق کاربرد تکنیک‌های هسته‌ای در حوزه پزشکی است.

از انرژی هسته‌ای در بخش دامپزشکی و دامپروری هم می‌توان بهره برد. تکنیک‌های هسته‌ای در پیشگیری، کنترل و تشخیص بیماری‌های دامی، تولید مثل دام، تغذیه دام، اصلاح نژاد دام و بهداشت و ایمنی محصولات دامی و خوراک دام کاربرد دارند.

سایت‌های مرجع در زمینه انرژی هسته‌ای مهمترین کاربرد این انرژی را در حوزه تولید الکتریسیته یا برق هسته‌ای عنوان کرده و نوشته اند که «تکنیک‌های هسته‌ای برای شناسایی حوزه‌های آب‌خیز زیرزمینی، هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی،

کشف و کنترل آلودگی و کنترل نشت و ایمنی سدها به کار می‌روند و در شیرین کردن آب شور و آب دریا نیز استفاده می‌شوند.»

جلوگیری از جوانه زدن محصولات غذایی، کنترل و از بین بردن حشرات، به تأخیر انداختن زمان رسیدگی محصولات غذایی، افزایش زمان نگهداری، کاهش میزان آلودگی میکروبی، از بین بردن ویروس‌ها، طرح‌های باردهی و جهش گیاهانی چون گندم، برنج و پنبه از مواردی است که این سایت‌های مرجع به عنوان کاربرد انرژی هسته‌ای در بخش صنایع غذایی و کشاورزی برشمرده‌اند و از تهیه و تولید چشمه‌های پرتوزایی کبالت برای مصارف صنعتی، تولید چشمه‌های ایریدیم برای کاربردهای صنعتی و بررسی جوشکاری در لوله‌های نفت و گاز و تولید چشمه‌های پرتوزا برای کاربردهای مختلف در علوم و صنعت از قبیل طراحی و ساخت انواع سیستم‌های هسته‌ای جهت کاربردهای صنعتی، اندازه‌گیری خاکستر ذغال سنگ، بررسی کوره‌های مذاب شیشه‌سازی جهت تعیین اشکالات آن‌ها، نشت‌یابی در لوله‌های انتقال نفت با استفاده از تکنیک‌های هسته‌ای به عنوان کاربرد انرژی هسته‌ای در بخش صنایع یاد کرده‌اند. همچنین اعلام شده که تکنیک‌های هسته‌ای در شناسایی مین‌های ضد نفر هم قابل استفاده هستند، چه آنکه در سال ۱۳۸۳ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تکنیک‌های هسته‌ای در کرواسی به صورت آزمایشی برای شناسایی مین‌های ضدنفر استفاده کرد که نتیجه این بود که اندازه‌های خاصی از این مین‌ها در اعماق مختلف و در شرایط خشکی خاک زمین شناسایی شدند. با این حال، یکی از مهمترین اهداف جمهوری اسلامی ایران از فعالیتهای هسته‌ای، تولید برق از طریق این انرژی اعلام شده است.

سایت ایران و فناوری هسته‌ای در این زمینه می‌نویسد: «یک نیروگاه هزار مگاواتی، سالانه به طور متوسط به ۲.۵ میلیون تن زغال سنگ یا ۱.۶ میلیون تن نفت (۱۰ میلیون بشکه) یا ۱.۵ میلیون متر مکعب گاز یا ۱۵۰ تن اورانیوم طبیعی (۲۵ تن اورانیوم غنی شده ۳ درصد) نیاز دارد. در صورت استفاده چنین نیروگاهی از زغال سنگ در طول یک سال ۲۴۰۰۰۰ تن خاکستر، ۲.۷ میلیون تن دی‌اکسید کربن، منو اکسید کربن، اکسیدهای هیدروژن، اکسیدهای سولفور و ۲۷۰ تن فلزات سمی به محیط زیست وارد خواهد شد. این در حالی است که انرژی هسته‌ای معادل یک تن

پسماند رادیواکتیو که می‌تواند جهت ایمنی به جامد تبدیل و نهایتاً دفن شود، از خود برجای می‌گذارد. یک تن زغال سنگ ۰.۳۶ مگاوات روز و یک تن نفت ۰.۶۴ مگاوات روز ارزش حرارتی دارند، در حالی که یک گرم اورانیوم ۲۳۵ یک مگاوات روز ارزش حرارتی دارد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که یک گرم اورانیوم ۲۳۵ حدود ۲.۷ میلیون برابر زغال سنگ و ۱.۶ میلیون برابر نفت بازده انرژی حرارتی دارد.»

به نوشته این سایت، مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان، هر ساله به طور چشمگیری افزایش یافته است. به عنوان مثال، مصرف نفت در کل جهان از ۲۶۷۷.۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۵ به ۳۸۳۶.۸ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. کل ذخایر تثبیت شده نفت جهان نیز در پایان سال ۲۰۰۵، ۱۲۰۰.۷ میلیارد بشکه نفت خام بوده است.

مصرف گاز طبیعی در جهان نیز از ۱۱۹۷.۳ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۷۵ به ۲۷۴۹.۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. ذخائر تثبیت شده گاز طبیعی جهان نیز در پایان سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۸۳/۱۷۹ تریلیون متر مکعب بوده است. با توجه به رشد جمعیت و همچنین تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان و افزایش تقاضا برای حامل‌های انرژی، میزان برق مورد نیاز جهانی نیز رو به افزایش بوده است. تقاضای جهانی برای برق به شدت از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. تولید جهانی برق در طول این دوره هر ساله ۲.۴ درصد رشد خواهد کرد و از ۱۶.۴۲۴ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۰۴ به ۳۰.۳۶۴ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. در حالی که در سال ۲۰۰۴ کشورهای جهان سوم و در حال توسعه ۲۶ درصد کمتر از کشورهای توسعه یافته برق مصرف کرده‌اند، اما در سال ۲۰۳۰ نسبت این کشورها سی درصد افزایش خواهند داشت.

مصرف جهانی برق از ۱۳۲۷۴ تراوات ساعت در سال ۱۹۹۵ نیز به ۱۸۱۸۴ تراوات ساعت در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهند تولید الکتریسیته از نیروگاه‌های هسته‌ای سالانه به طور متوسط ۱.۳ درصد رشد خواهد داشت و از ۲.۶۱۹ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۰۴ به ۳.۶۱۹ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. به همین دلیل متخصصان این عرصه می‌گویند برق هسته‌ای گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر در برابر برق حاصله از سوخت‌های فسیلی

خواهد بود و کشورهای جهان راهی جز بهره برداری از منابع انرژی‌های جایگزین نخواهند داشت.

مفاسد اقتصادی

چه دلیلی وجود دارد که با اشرافیگری ایجاد شده در بسیاری از مقامات کشوری، برخورد قاطع صورت نمی‌گیرد؟ چرا اصل قانون اساسی در مورد بررسی اموال اشخاص حکومتی به طور دقیق اجرا نمی‌شود؟

پاسخ این سوال را از بیانات رهبر انقلاب در پاسخ به دانشجویی که همین سوال را پرسیده بودند ارائه می‌کنیم:

البته این که اموال مسولان کشور را به طور دقیق رسیدگی کنند، این طور چیزی در قانون اساسی نیست، فقط در مورد تعدادی از مقامات - مثل رهبری، ریاست جمهوری، و بعضی‌های دیگر- هست که اینها اول مسوولیتشان باید گزارش موجودی مال خودشان را بدهند، از مسوولیت هم که کنار رفتند، باز بایستی صورت موجودیشان را بدهند، تا معلوم بشود که در این مدت چه چیزی گیرشان آمده و چه چیزی اضافه کرده اند. البته این اصل هم اجرا می‌شود. بنده خودم به مناسبت شروع مسوولیت ریاست جمهوری و پایانش و نیز مسوولیت بعدی، بارها این ورقه را پُر کردم و برای قوه قضائیه فرستادم، دیگران هم این کار را می‌کنند، منتها این سوال راجع به اشرافیت، سوال بسیار درستی است. اگر واقعاً من احساس بکنم که این سوال و این مطالبه و این گرایش، در مجموعه‌ی جوانان دانشجو هست، حقیقتاً خدا را شکر می‌کنم. شما بدانید که گرایش اشرافیگری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد، خیلی سخت تر از این حرفهاست، این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور - احساسات مردم، و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم - آن را دفع کند، تا این علاج بشود.

آن کسانی که به اشرافیگری گرایش دارند و دلشان برای زندگی اشرافی لک می‌زند - یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از

زندگی متوسط مردم - یکی از کارهایی که می کنند، این است که این دید و ذهنیت را در مردم به وجود بیاورند که این چیز خوبی است و ارزش است، کما اینکه قبل از انقلاب این طوری بود. قبل از انقلاب، مسوولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباسهای فاخر ظاهر می شدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوششان می آمد، فرهنگ عمومی را این گونه شکل داده بودند! بعد انقلاب بعکس شد، لذا کسانی هم که اهل کارهای اشرافیگری بودند، از ترس گرایش مردم، اجتناب میکردند، اما امروز بتدریج می خواهند کار را بعکس کنند. به نظر من، اشرافیگری برای یک کشور آفت است، اشرافیگری مسوولان، آفت مضاعف است، برای خاطر این که اگر اشراف عالم از مال خودشان - حالا حلال و حرامش به عهده ی خودشان - خرج می کنند، از مال خودشان اشرافیگری می کنند؛ اما اگر مسوولان اشرافیگری بکنند، از مال مردم دارند خرج می کنند؛ مال خودشان نیست. این اشرافیگری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر درست خواهد شد؛ این باید به یک فرهنگ تبدیل بشود؛ کاری نیست که بشود به صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال این ها درستش کرد.